

ایده عالم بر او اولی  
 قافله ای در کمال  
 قافله ای در کمال  
 قافله ای در کمال

کودرانی حادین الصفتن بالین است  
 بر حساب کرم شرف  
 با خود اندم که جادیش نامه  
 مگر کس جسد سوی اعدا راند  
 خن مشا زرد و طوف صحار  
 بانگ جان آری از صحار تا  
 بادلی چو دل شیر دیر  
 زیر پیلور ز داغش آند  
 مش میمان در صفای بچرا  
 کس نیند نه نیش اصحاب  
 از نیش جیت پرش دوری  
 ز خنده هفت مکاران شد  
 کز نیت بد روز نبرد  
 شخندان ساران کز نیت  
 کم ز شمای عوسی در زمان  
 قانی برت مودت  
 رسته خواب و صف جگ  
 هر با فضل از یک نیست  
 کار او کوشش اگر آس نیست

کودرانی حادین الصفتن بالین است  
 بر حساب کرم شرف  
 با خود اندم که جادیش نامه  
 مگر کس جسد سوی اعدا راند  
 خن مشا زرد و طوف صحار  
 بانگ جان آری از صحار تا  
 بادلی چو دل شیر دیر  
 زیر پیلور ز داغش آند  
 مش میمان در صفای بچرا  
 کس نیند نه نیش اصحاب  
 از نیش جیت پرش دوری  
 ز خنده هفت مکاران شد  
 کز نیت بد روز نبرد  
 شخندان ساران کز نیت  
 کم ز شمای عوسی در زمان  
 قانی برت مودت  
 رسته خواب و صف جگ  
 هر با فضل از یک نیست  
 کار او کوشش اگر آس نیست

کودرانی حادین الصفتن بالین است  
 بر حساب کرم شرف  
 با خود اندم که جادیش نامه  
 مگر کس جسد سوی اعدا راند  
 خن مشا زرد و طوف صحار  
 بانگ جان آری از صحار تا  
 بادلی چو دل شیر دیر  
 زیر پیلور ز داغش آند  
 مش میمان در صفای بچرا  
 کس نیند نه نیش اصحاب  
 از نیش جیت پرش دوری  
 ز خنده هفت مکاران شد  
 کز نیت بد روز نبرد  
 شخندان ساران کز نیت  
 کم ز شمای عوسی در زمان  
 قانی برت مودت  
 رسته خواب و صف جگ  
 هر با فضل از یک نیست  
 کار او کوشش اگر آس نیست

کودرانی حادین الصفتن بالین است  
 بر حساب کرم شرف  
 با خود اندم که جادیش نامه  
 مگر کس جسد سوی اعدا راند  
 خن مشا زرد و طوف صحار  
 بانگ جان آری از صحار تا  
 بادلی چو دل شیر دیر  
 زیر پیلور ز داغش آند  
 مش میمان در صفای بچرا  
 کس نیند نه نیش اصحاب  
 از نیش جیت پرش دوری  
 ز خنده هفت مکاران شد  
 کز نیت بد روز نبرد  
 شخندان ساران کز نیت  
 کم ز شمای عوسی در زمان  
 قانی برت مودت  
 رسته خواب و صف جگ  
 هر با فضل از یک نیست  
 کار او کوشش اگر آس نیست

کودرانی حادین الصفتن بالین است  
 بر حساب کرم شرف  
 با خود اندم که جادیش نامه  
 مگر کس جسد سوی اعدا راند  
 خن مشا زرد و طوف صحار  
 بانگ جان آری از صحار تا  
 بادلی چو دل شیر دیر  
 زیر پیلور ز داغش آند  
 مش میمان در صفای بچرا  
 کس نیند نه نیش اصحاب  
 از نیش جیت پرش دوری  
 ز خنده هفت مکاران شد  
 کز نیت بد روز نبرد  
 شخندان ساران کز نیت  
 کم ز شمای عوسی در زمان  
 قانی برت مودت  
 رسته خواب و صف جگ  
 هر با فضل از یک نیست  
 کار او کوشش اگر آس نیست

Copyrighted by King Saud University